

نقد
اقتصاد سیاسی

جهان زامبی

مایکل رابرتز / ترجمه‌ی احمد سیف



نقد اقتصاد سیاسی

تیرماه ۱۳۹۶

آخر هفته‌ی گذشته زامبی‌ها به نشست گروه ۲۰ در هامبورگ رسیدند. منظورم رهبران گروه ۲۰ نیست بلکه گروهی است که خودشان را «۱۰۰۰ پیکره» می‌نامند و به شکل زامبی‌ها لباس پوشیده بودند و در خیابان‌ها راه می‌رفتند. اعضای این گروه می‌گفتند که می‌خواهند گروه ۲۰ مدافع جامعه‌ی آزاد و برابر باشد، نه جامعه‌ای که در آن قدرت در کنترل افراد معدودی است و خواستند به این ترتیب نمادی از همبستگی و مشارکت سیاسی را به دنیا اعلام کنند.

ولی در هامبورگ در میان رهبران جهان سرمایه‌داری همبستگی چندانی وجود نداشت. رئیس‌جمهور امریکا – دونالد ترامپ – که (برای طعنه زدن به پوتین؟) اول به ملاقات رئیس‌جمهور راست‌گرای لهستان رفته بود بدون این که سخنانش ابهامی داشته باشد گفت که امریکا به توافق پاریس درباره‌ی تغییرات اقلیمی باز نخواهد گشت و در برابر هر بیانیه‌ای از سوی گروه ۲۰ که خواهان تجارت آزاد باشد مقاومت خواهد کرد. در واقع ترامپ می‌خواهد بر محصولات فولادی اتحادیه‌ی اروپا تعرفه‌ی گمرکی وضع کند.

جهانی کردن به آن صورتی که رهبران دنیای سرمایه‌داری و شرکت‌های بزرگ انتظار داشتند و یا از آن بهره‌مند شده‌اند در معرض تهدید ناسیونالیسم و حمایت‌گرایی است. به‌علاوه بحران روبه‌رشد سیاسی کره شمالی و خاورمیانه هم هست که رهبران گروه ۲۰ هیچ برنامه‌ی مشخصی درباره‌شان ندارند.

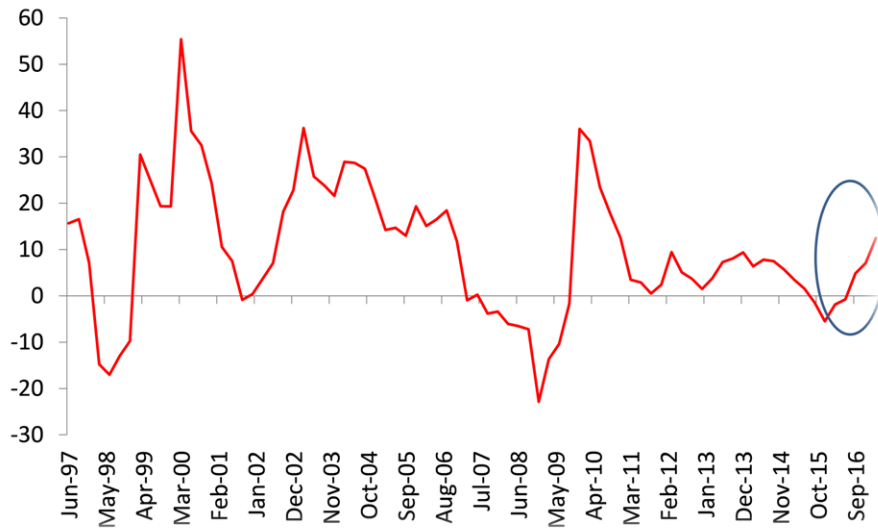
احتمالاً تنها یک نقطه‌ی روشن درباره‌ی سرمایه‌داری وجود دارد، یعنی بالاخره در اقتصاد جهانی پس از شش سال رکود در رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری و درآمدها، پس از رکود بزرگ ۲۰۰۹، شاهد بهبود هستیم.

صندوق بین‌المللی پول در تازه‌ترین به‌روزرسانی‌اش درباره‌ی اقتصاد جهانی نوشت «خبر خوش این که بهبود دوره‌ی اقتصاد جهانی حفظ شده و وعده‌ی اشتغال بیشتر، درآمدهای بالاتر و بهبود کلی ادامه دارد». البته هشدارهایی هم هست «ممکن است که رشد اقتصادی دارد دور می‌گیرد ولی نمی‌توانیم اطمینان داشته باشیم که مشکل در حال رفع شدن باشدف ریسک‌های آشکاری وجود دارد بی‌ثباتی سیاسی از جمله در اروپا، شمشیر حمایت‌گرایی بر فراز تجارت جهانی، و شرایط محدودکننده‌تر مالی که بعید نیست به صورت فرار سرمایه از کشورهای نوظهور در حال توسعه دربیاید».

مع‌ذالک به نظر می‌رسد در اغلب اقتصادهای اروپا شاهد بهبود هستیم. متوسط نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در منطقه‌ی یورو به سالانه ۱,۵ درصد رسیده است و نرخ رشد در کشورهای اسکاندیناوی و اروپای شرقی حتی بیش‌تر است. اگرچه اقتصاد امریکا شواهدی از سالخوردگی و اصطکاک را نشان می‌دهد ولی حدوداً ۲٪ در سال رشد دارد. نرخ رشد اقتصادی ژاپن سالانه ۱,۵٪ است. چین برخلاف [پیش‌نگری اقتصاددانان جریان اصلی](#) درباره‌ی سقوط احتمالی، سالی ۶,۵ تا ۷٪ رشد دارد. حتی کشورهای عمده‌ی نوظهور، یعنی برزیل و روسیه هم از رکودی که در ۱۸ ماه گذشته گرفتار آن شده بودند دارند خلاص می‌شوند.

سود جهانی که رشد منفی داشت در ماه‌های اخیر روبه رشد است. این بهبود هم عمدتاً به خاطر بهبودی است که در چین و ژاپن شاهد آن هستیم.

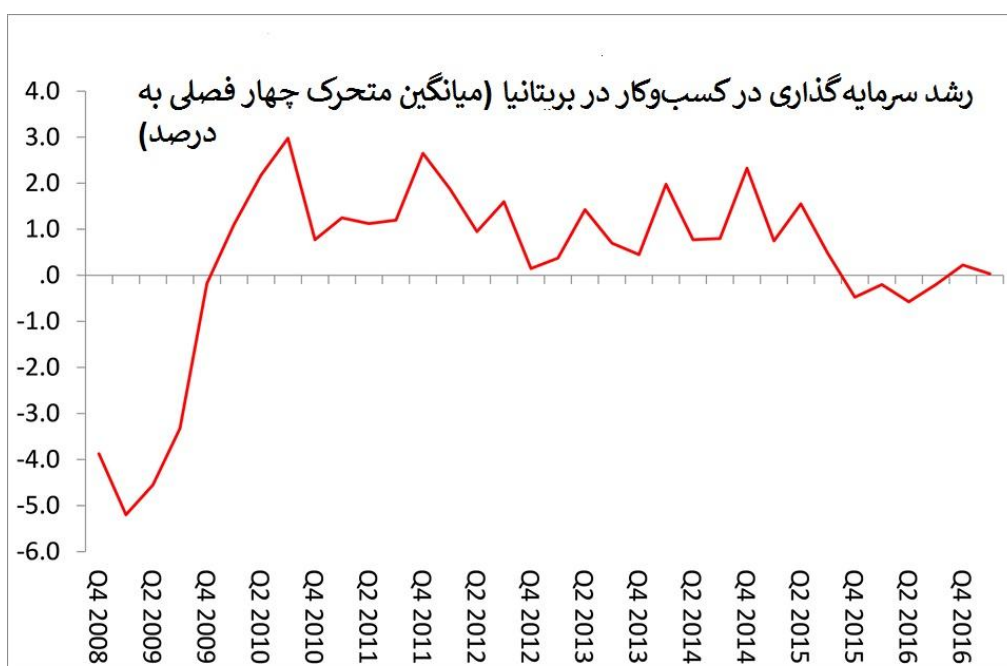
میانگین موزون سود شرکت‌های جهانی در ایالات متحده، بریتانیا، آلمان، ژاپن و چین (درصد)



این باعث شد تا اقتصاددانان جریان اصلی (جی پی مورگان) با اعتماد به نفس بیشتری از پایان رکود طولانی حرف بزنند. اگر وضعیت سرمایه‌گذاری در کسب‌وکار بهبود یابد، بهبود و رشد سریع‌تر ادامه‌دار از راه خواهد رسید.



تنها اقتصاد مهمی که وضعیت خوبی ندارد اقتصاد بریتانیاست که همچنان روند کاهشی دارد. پس از تصمیم ترک اتحادیه‌ی اروپا (برگزیت) بنگاه‌ها از سرمایه‌گذاری در بریتانیا خودداری می‌کنند و جریان سرمایه در بازارهای مالی لندن متوقف شده است. براساس تازه‌ترین آمارهایی که درباره‌ی رشد تولید ناخالص داخلی داریم اقتصاد بریتانیا برای فصل اول ۲۰۱۷ تنها ۰,۲ درصد رشد داشته است که پایین‌ترین نرخ رشد در اروپا – از جمله در یونان – است. تولیدات صنعتی روند نزولی دارد و سرمایه‌گذاری تجارتم هم تغییری نشان نمی‌دهد.



یک خانوار متوسط در بریتانیا با بیشترین میزان کاهش درآمد واقعی در پنج سال

گذشته روبه‌روست و در فصل اول ۲۰۱۷، درآمد واقعی قابل‌مصرف وی ۲٪ کاهش داشته است. در واقع براساس تازه‌ترین گزارشی که بنیاد جوزف روانتری منتشر کرده، یک خانواده‌ی چهارنفره (یعنی دو آدم بالغی که کار می‌کنند و دو کودک) حداقل به سالی ۴۰۸۰۰ پوند نیاز دارند تا زندگی متوسطی داشته باشند و این نوع خانوارها سالی ۳۰۰۰ پوند کسری دارند.

شرایط در امریکا هم چندان دلچسب نیست. تازه‌ترین آمارهای ماهانه‌ی اشتغال برای ماه ژوئن نشان می‌دهد که میزان اشتغال بیش‌تر شده است ولی برای اولین بار در چند سال اخیر نرخ بیکاری هم بیش‌تر شده است. افزایش بیکاری نشان می‌دهد که اشتغال‌آفرینی به آخر خط رسیده است. میزان افزایش سالانه‌ی مزد – پس از کسر اثرات تورمی – هم در ۲٫۵٪ درجا می‌زند و متوسط درآمد هم سینه‌خیز افزایش می‌یابد. از همه مهم‌تر سودآوری در بخش مولد اقتصاد امریکا سیر نزولی دارد.

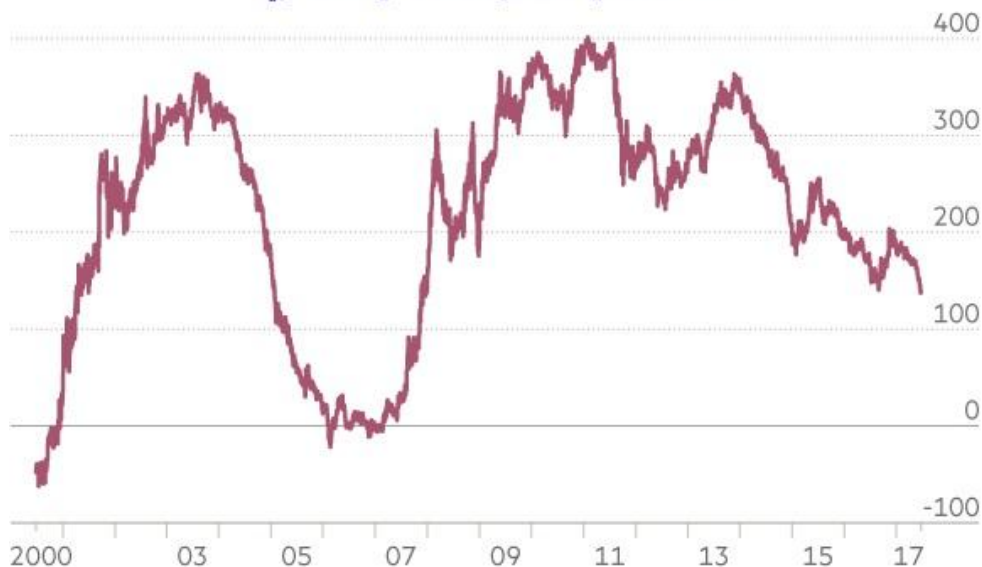
نرخ بازده سهام در بازار سهام امریکا کم‌تر از همیشه است که نشان می‌دهد رابطه‌ای بین بهای سهام و درآمد (سود) شرکت‌های امریکایی وجود ندارد.

شرکت‌های امریکایی: پایین‌ترین سطح بازدهی در تمامی اوقات



منحنی درآمد اوراق قرضه (شکاف بین درآمدهای درازمدت و نرخ بهره‌ی کوتاه‌مدت در بازارهای اعتباری) هم مسطح‌تر می‌شود و وقتی چنین می‌شود نشانه‌ی آن است که رشد اقتصادی دارد کم‌تر می‌شود. و وقتی که منحنی درآمد اوراق قرضه کله‌پا می‌شود (یعنی درآمدهای درازمدت کم‌تر از نرخ بهره‌ی کوتاه‌مدت است) این وضعیت نشانه‌ی آن است که رکود فراخواهد رسید.

یکی از بهترین معیارهای منحنی بازده ایالات متحده به پایین‌ترین سطح ده‌ساله رسید
فاصله‌ی بازدهی اوراق خزانه‌ی دو و سی‌ساله‌ی آمریکا



Source: Bloomberg

FT

دلیل اصلی که منحنی درآمد اوراق قرضه دارد مسطح می‌شود این است که بانک مرکزی آمریکا مصمم است تا نرخ بهره‌ی پایه خود را که اساس نرخ‌های بهره برای وام‌ستانی در آمریکا و حتی در خارج از امریکاست، افزایش بدهد. به این معنا که هزینه‌ی وام‌ستانی برای هزینه کردن در مغازه‌ها و یا برای سرمایه‌گذاری جهت گسترش فعالیت‌های کسب و کار افزایش می‌یابد. در گزارشی که از آخرین جلسه‌ی اعضای فدرال رزرو منتشر می‌شود متوجه می‌شویم که آن‌ها آماده‌اند تا نرخ بهره را باز هم افزایش بدهند، اگرچه نشانه‌ای از افزایش نرخ تورم وجود ندارد و مزدها هم به زحمت افزایش نشان می‌دهند.

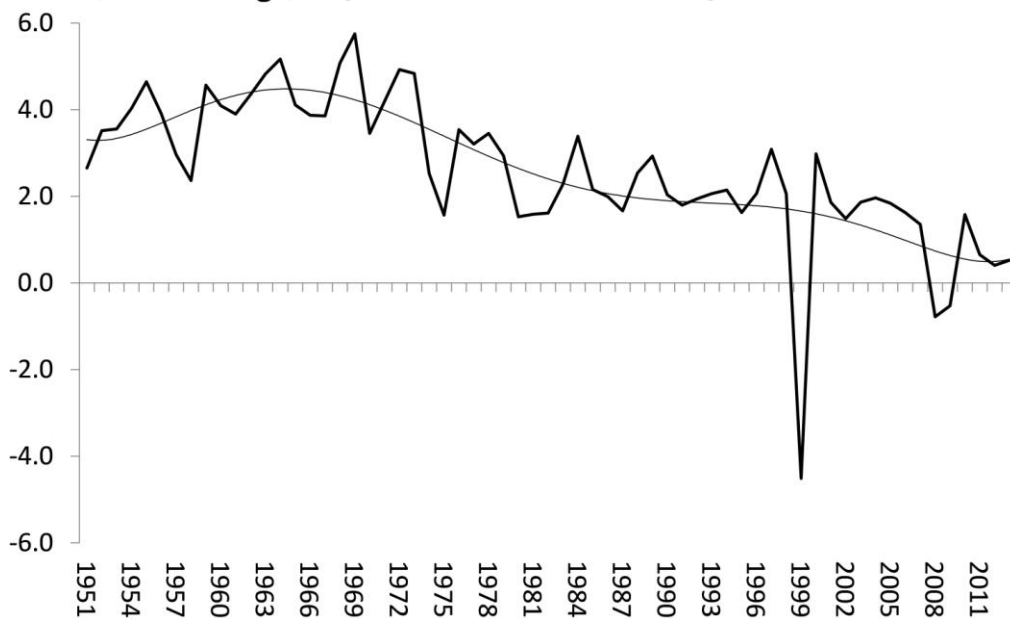
همان‌طور که یکی از مدیران یکی از صندوق‌های بزرگ سرمایه‌گذاری در آمریکا گفته است «من چیزی مخالف آنچه فدرال رزرو تاکنون می‌گفت نمی‌بینم. اقتصاد هم‌چنان وضعیت مطلوبی دارد نه گرم می‌کند و نه زیادی سرد می‌شود. پیام کتمان‌شده این است

که ما برای کوچک کردن تراز مالی می‌خواهیم نرخ بهره را افزایش بدهیم نه این که موتور اقتصاد دارد زیادی گرم می‌کند ولی می‌خواهیم سیاست پولی را به حالت طبیعی‌اش برگردانیم. ولی اگر فدرال رزرو به این سیاست خود ادامه بدهد فشار به پایین بر سود و سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها بیش‌تر می‌شود. تا به همین جا شواهدی داریم که هزینه‌ی وام‌ستانی در اقتصادهای آسیایی بیش‌تر شده است.

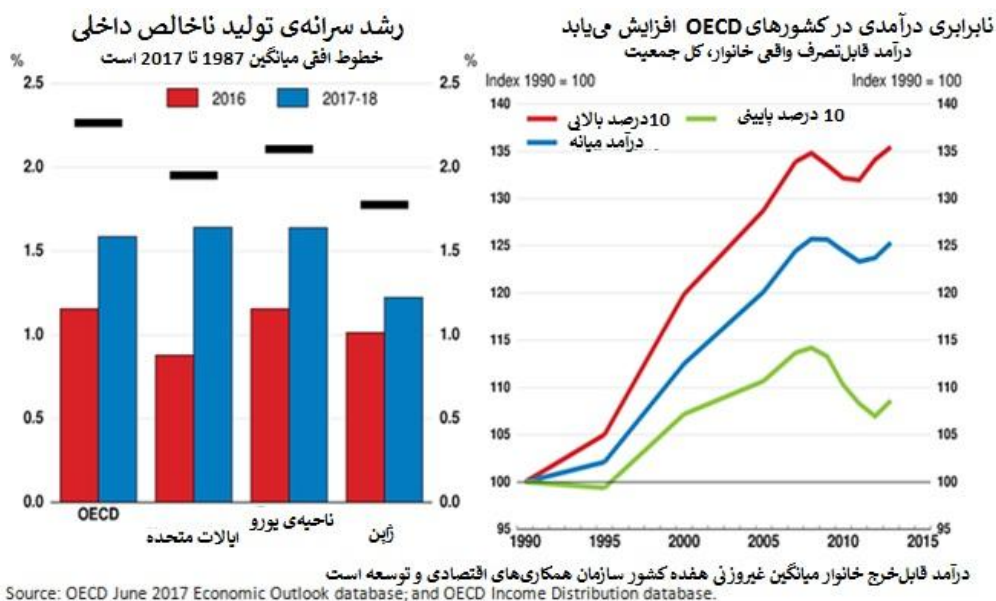
با این همه دلیل اصلی تردید در خوش‌بینی رهبران گروه ۲۰ و مدیران صندوق‌های سرمایه‌گذاری درباره‌ی اقتصاد جهانی این است که هیچ‌یک از علل کلیدی رشد ناچیز بازدهی و سرمایه‌گذاری مورد بررسی قرار نگرفته است. صندوق بین‌المللی پول در آخرین گزارش خود درباره‌ی اقتصاد امریکا پیش‌بینی خود از رشد آن را به ۲٫۱ درصد در ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ کاهش داده و این پیش‌گزاره را کنار گذاشته است که برنامه‌ی کاهش مالیاتی و هزینه‌های دولتی دولت ترامپ موجب بیش‌تر شدن نرخ رشد می‌شود. نه فقط نرخ رشد بیش‌تر نخواهد شد بلکه اقتصاد امریکا در بهترین حالت به رشد خفیف خود ادامه خواهد داد. در حالی که پیش‌نگری دولت ترامپ بر نرخ رشد ۳ درصدی تا ۲۰۲۱ استوار است از نگاه صندوق بین‌المللی پول نرخ رشد بالقوه‌ی اقتصاد امریکا تا ۲۰۲۰ تنها ۱٫۸ درصد خواهد بود.

نرخ رشد بازدهی در اقتصادهای برتر جهان هم چنان از نظر تاریخی بسیار ناچیز است.

بارآوری نیروی کار در کشورهای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (نرخ سالانه به درصد)



در حالی که تولید ناخالص سرانه‌ی واقعی هنوز کم‌تر از آن میزانی است که قبل از رکود بزرگ بود، و نابرابری درآمد و ثروت در اغلب کشورهای عمده هم‌چنان از همیشه بیش‌تر است و روند صعودی دارد.



حجم تجارت جهانی هم از حداکثری که قبل از بحران مالی جهانی به آن رسیده بود

۲۵٪ کم تر است.



اقتصاد جهان هم چنان شبیه یک زامبی است با وجود این که اندکی خوش بینی وجود

دارد که بعید نیست مرده متحرک دارد زنده می شود.

اصل مقاله را به انگلیسی در این لینک بخوانید:

[A Zombie World](#)